

◀ دکتر شقاقی و نقش عالمان و روشنفکران در ایجاد تحول در جامعه

شهید فتحی شقاقی در سخنانی از سردرد، به تبیین نقش مهمی که افراد تحصیل کرده می‌توانند در جامعه ایفا کنند، می‌پردازد و می‌گوید: فرض بر این است که اندیشمندان و روشنفکران، معلمان، به‌مثابه ضمیر و نفس لوامه مردم و جامعه هستند. آن‌ها باید اولین مقاومت‌کنندگان بوده و از آخرین کسانی باشند که بشکنند؛ البته آن‌ها نباید هرگز بشکنند، چون آن‌ها نشانه‌های هویت‌اند و فرهنگ حتی باوجود شکست‌های متوالی باید مقاومت کند. چون ویرانی دیوار هویت و فرهنگ به آن معناست که وطن به‌طور کلی در معرض تاخت‌وتاز قرار گرفته است و این امت دیگر آن امت پیشین نخواهد شد.

تبعاتی که سیاستمداران و رژیم‌های‌شان دچار آن می‌شوند، باعث می‌شود تا آن‌ها اقدام به مانور نموده یا حتی سقوط کنند. آن‌ها برای یافتن مخرجی برای حفظ وجود و حیات خویش مانور می‌دهند. به‌همین خاطر است که سیاستمدار به امپراتوری که بر قلعه آن ایستاده است، پشت کرده و از اصول اساسی عدول می‌کند و بدون در نظر گرفتن منافع امت با همگان به سازش می‌پردازد. اگر این‌ها را تبعات کار سیاستمداری و رژیم‌ها بدانیم، چه تبعاتی می‌تواند روشن‌فکران را هم به این وادی بکشاند؟ روشن‌فکر اگر به چنین تبعاتی توجه داشته باشد و چنین‌راهی را اتخاذ کند، به‌طورحتم به دلچکی بی‌نقش مبدل خواهد شد.

روشنفکر باید حاضر به کرنش در مقابل سلطان باشد، نه آنکه مانند ده‌ها سال گذشته روشن‌فکر ملازم رکاب سیاستمدار و سیاستمدار ملازم رکاب نظامی باشد. امروزه باید این مسیر تصحیح شود. متأسفانه بعضی از روشنفکران به راهنمایی برای ورود چپاولگران مبدل شده‌اند، بعضی دیگر هم به‌سرعت در مقابل عمل‌های انجام‌شده تسلیم می‌شوند. اینان همگی نقش معلمی و آموزگاری خویش را از دست می‌دهند و دیگر نمی‌توان آن‌ها را وجدان و نفس لوامه مردم دانست.

صهیونیست‌ها بیشتر بر عادی‌سازی اصرار می‌ورزند تا صلح سیاسی؛ یعنی به روابط دیپلماتیک و امضای اسناد با رژیم‌های مختلف علاقه دارند، زیرا وسیلهٔ سازش، روشن‌فکر و هنرمند است و او تنها کسی است که می‌تواند این صلح ادعایی را وارد صحنه کند. او تنها کسی است که توانایی محو یا تضعیف مفاهیمی را دارد که مردم با آن بزرگ شده، آن را به ارث برده، غنی‌تر ساخته، ترسیم کرده، تمامی ذهن‌ها را با آن چنان پر کرده که به جزئی از شخصیت مبدل شده است.

صهیونیست‌ها تاکنون توانسته‌اند به شکل دلخواه، صلح خود را با مصر گسترده کنند؛ علت هم مقاومت مردم مصر در مقابل سازش و عادی‌سازی است. از یک سو عملیات‌های جهادی که دلاوران مصری انجام دادند، امنیت دشمن را به خطر انداخت و از سوی دیگر مردم، صهیونیست‌ها را بایکوت اقتصادی کردند، به‌همین دلیل صلح از نظر امنیتی و اقتصادی شکست خورد. اما هم‌اکنون دشمن توانسته است این مسافت‌ها را بسیار کوتاه کند؛ علت هم ضعف مقاومت در برابر سازش است. امضای توافق‌نامهٔ سازش توسط سازمان آزادی‌بخش فلسطین و رهبری روند سازش به وسیلهٔ چند چهرهٔ معروف فلسطینی، دست به دست هم دادند تا مسئلهٔ مقابله با سازش پیچیده‌تر و سخت‌تر شود. اما به‌هرصورت روشن‌فکر از نظر اخلاقی و فکری موظف است تا این آخرین دیوار سنگر را حفظ کند؛ زیرا گرچه سیاستمدار و نظامی شکست خوردند، اما او باقی مانده و بروز نموده تا این‌تکه‌ها را جمع کند و روحیه‌های شکست‌خورده را التیام بخشد.



تلاش برای وحدت شیعه، سنی و مسیحی

افشای غوغای ساختگی

شهید فتحی شقاقی به پیروی از امام خمینی (ره) که پایه‌گذار وحدت در بین شیعیان و اهل‌تسنن بودند، تلاش زیادی در بین فلسطینیان برای وحدت مسلمین انجام داد. هنگامی که همهٔ مزدوران استعمار و استکبار جهانی به ایجاد تفرقه و تشتت امت اسلامی پرداخته بودند و با هجوم به مظاهر وحدت مسلمانان، پراکندگی عمیق قومی و طایفه‌ای را گسترش می‌دادند، مقاله‌ای ارزشمند از دکتر شقاقی در مجلهٔ «النور» در فلسطین نشر یافت که با شعار و شعور علمی، بروحیت و یکپارچگی امت اسلامی تأکید کرده بود. نویسندهٔ این مقاله که دکتر فتحی شقاقی بود، معتقد است پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، کشورهای غربی به دلیل ترس از گسترش و تأثیرگذاری این انقلاب در سایر کشورهای منطقه، به اختلافات بین شیعه و سنی دامن زدند. وی در این نوشتار سعی کرده است دیدگاه‌ها و نظریات اندیشمندان و رهبران مسلمان را دربارهٔ ضرورت وحدت شیعه و سنی مطرح کند و به برخی شباهت مطرح‌شده دربارهٔ شیعیان پاسخ دهد.

● فتحی شقاقی و افشای یک غوغای ساختگی

محسن فاطمی‌نژاد در حاشیه‌نگاری کتاب معروف دکتر فتحی شقاقی که «شیعه و سنی غوغای ساختگی» نام دارد، با اشاره به دست‌های خارجی در بحران‌سازی بین مذاهب اسلامی می‌نویسد: شهید فتحی شقاقی پس از اینکه در مقدمهٔ کتابش، این بحث را غوغای ساختگی استعمارگران می‌نامد، تلاش می‌کند مواضع و نظریات حرکت‌های اسلامی و اندیشمندان مسلمان شیعه و اهل سنت را نسبت به این «فتنهٔ حرام و جنجال ساختگی و تأسف‌بار» تبیین کند. برای نمونه، او به ماجرای ملاقات‌های نواب صفوی با اعضای ارشد «اخوان المسلمین» در مصر اشاره می‌کند که در آن نواب صفوی مشخصاً به ضرورت اتحاد برای اسلام اشاره می‌کند و از ضرورت فراموش کردن هر چیزی به‌جز جهاد در راه عزت اسلام سخن می‌گوید. تعبیری که شقاقی از نواب صفوی نقل می‌کند، این است که «آیا زمان آن فرا نرسیده است که مسلمانان حقایق را درک و شکاف میان شیعه و سنی را رها کنند؟» نقل استقبال شورانگیز و پرشوق و ذوق اخوان المسلمین از نواب صفوی در قاهره و سپس معرفی او به‌عنوان عضوی از شهدای اخوان، همه شواهدی است که شهید فتحی شقاقی آن را نشانه‌هایی

برای ضرورت هم‌گرایی میان شیعه و سنی در راه برپایی نظامات اجتماعی و سیاسی اسلام ذکر می‌کند. مؤسس حرکت جهاد اسلامی فلسطین با استناد به مواضع قسمتی از حرکت‌ها و رهبری‌های اسلامی سنی در ضرورت پرهیز از فرقه‌گرایی، بارها به سخنان امام خمینی (ره) نیز ارجاع می‌دهد و به فتوای ایشان اشاره می‌کند که «ایجاد اختلاف میان مسلمانان با عنوان شیعه و سنی، به‌معنی همکاری با کفر و دشمنی با اسلام و مسلمانان است و روی همین اصل، این اختلافات حرام است و باید با آن مبارزه کرد.»



روشنفکر باید حاضر به کرنش در مقابل سلطان باشد، نه آنکه مانند ده‌ها سال گذشته روشنفکر ملازم رکاب سیاستمدار و سیاستمدار ملازم رکاب نظامی باشد. امروزه باید این مسیر تصحیح شود

